

## به نام بزرگ او

پایه هفتم « زندگی همین لحظه هاست»

دبیر ادبیات فارسی: مسعود سلطانی

---

### معنی کلمات

مجموعه: گروه، دسته \* صرف: استفاده \* تلف شده: هدر رفته  
فرصت: زمان \* تردید: شک \* دقایق: جمع دقیقه \* دل آزرده: ناراحت  
اثنا: میانه ها \* حیرت: سرگشتگی / شگفت زده شدن  
حک کردن: تراشیدن \* صاحبان قبور: کسانی که مرده اند و در گور دفن شده اند.  
نظر: نگاه / دیدگاه \* خفتن: خوابیدن \* اعظم: بزرگ / بزرگتر  
غفلت: بی خبری \* دی: دیروز \* نامده: نیامده \* بنیاد: پایه، اساس  
الکی: غیر جدی / دروغی \* اضطراب: نگرانی / پریشان حالی  
گره از کار دیگران گشودن: کنایه از بر طرف کردن مشکل \* قدر: ارزش  
مصاحبت: هم نشینی / گفت و گو \* اعجاب: شگفتی و تعجب  
تامل: اندیشیدن / فکر کردن \* عبرت: پند / اندرز

### معنی بیت

از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن فردا که نیامده است، فریاد مکن  
معنی: روزهای گذشته را فراموش کن و روزهایی که هنوز ندیده ای از آنها نترس

## برنامه و گذشته بنیاد مکن      حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

معنی: روزهای نیامده و روزهای سپری شده را فراموش کن و امروز را خوشحال و شاد باش و عمر خود را بیهوده از دست نده

### معنی واژه ها، نکات دستوری و آرایه ها

- روز، ماه، سال: مراعات نظیر \*      وقت طلاست: وقت به طلا تشبیه شده
  - گران بها: باارزش \*      صرف وقت: از زمان استفاده کردن
  - هم خانواده صرف: مصارف، مصارف \*      دقائق: ج دقیقه
  - هم خانواده تلف: تلاف، تلفات \*      گویی: انگار
  - قرن: صد سال \*      قرن های طولانی: صدها سال
  - هم خانواده قرن: قرون \*      دل آزرده: ناراحت
  - دنیا را زیرورو می کنند: همه جا را می گردند \*      زیستن: زندگی کردن
  - اِثنا: میانه ها، ج ثنی \*      در اثنای سفر: در بین سفر، در مسیر
  - به حیرت فرورفت: شگفت زده شد \*      هم خانواده حیرت: متحیر، حیران، تحیر
  - حیات: زندگی، عمر \*      قبور: قبرها، ج قبر
  - هم خانواده قبر: مقبره، مقبره \*      صاحبان قبور: مردگان
  - حک شدن: به شیوه گنده کاری نوشتن \*      پیش خواند: فراخواند
  - نظر: فکر، عقیده \*      خفتن: خوابیدن
- قسمت اعظم عمر: بیشترین سال های زندگی

هم خانواده اعظم:معظم، تعظیم، عظام \* غفلت:بی خبری

هم خانواده غفلت:غافل، تغافل \* سپری می شود:می گذرد

امروز را به فردا افکندن:کارها را برای روز بعد گذاشتن

### جواب خودارزیابی:

۱. چرا می گویند «وقت از طلا گرانیهاتر» است؟ زیرا با صرف وقت می توان طلا به دست آورد ولی دقایق تلف شده را با طلا نمی توان خرید.

۲. منظور از «عمر حقیقی را شناسنامه ما تعیین نمی کند» چیست؟ استفاده از فرصت ها برای زندگی موفق\*در جستجوی کسب علم باشیم\* به مردم خوبی کنیم

۳. پیام اصلی درس چیست؟ کار های مفید انجام دهیم و رفتارهای پسنده داشته باشیم.

### دانش زبانی

فعل اسنادی به افعالی گفته می شود که حالتی را می رساند. و برای نسبت دادن چیزی به چیز دیگر به کار می رود.

**انواع فعل اسنادی: است، شد، بود، گشت، گردید (منفی این افعال هم محسوب می شود)**

مانند: هوا سرد شد (فعل اسنادی): ( سرد را به هوا نسبت دادیم)

مانند: مریم معلم مدرسه بود (فعل اسنادی): (معلم مدرسه را به مریم نسبت دادیم)

مانند: شاگردان خوشحال شدند. (فعل اسنادی)

\*\*\*\*\*

۱. سه جمله از متن درس بنویسید که در آنها فعل « اسنادی » رفته باشد؟

وقت از طلا گرانبها تر است چرا زندگی مردمش این قدر کوتاه است

این سخن زیبای نهج البلاغه یادمان باشد

۲. ده واژه از متن درس بنویسید که ارزش املائی داشته باشند؟

اثناى / اعظم / حیرت / حک / تأمل / عبرت / اضطراب / مصاحبت / تلف / فرصت

۳. در هر جمله یک غلط املائی وجود دارد؛ آنها را پیدا کنید و به شکل درست

بنویسید.

الف) اسکندر سنگ مزارها را خواند و به هیرت فرورفت. (حیرت)

ب) مدت حیات صاحبان قبور از ده سال تجاوز نمی کرد. (حیات)

پ) مجتبا در درس هایش بسیار پیشرفت کرده است. (مجتبی)

پایان